



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: مدرسی معارف اسلامی

عنوان:

مبانی مشروعیت حکومت اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری و شهید صدر

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر حسین جوان آراسته

نگارش:

سید حامد شاهرخی

مهر ماه 1391

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم :

به پیشگاه مقدس، آخرین ذخیره الهی، حضرت بقیه الله 4 و یگانه دادگستر جهان، و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قید ظلم و ستم و استکبار.

- به حضرت زهراء 3 کوثر خدا، ادامه رسول خدا 6 و همتای علی و أم الأئمه .:

- به ارواح طیبه شهیدان خصوصاً دایی عزیزم که با خون شعله‌ور خویش به خورشید پیرمرداشان حضرت امام خمینی 1 پیوستند و به انسانها رمز زیستن آموختند.

تقدیر:

سپاس و ستایش هستی بخش بی‌همتا را، که خود راه می‌نماید و راه می‌برد و هیچ لحظه‌ای بی‌مدد از وجودش پای رفتن نیست و سلام و درود بی‌پایان بر رسول عالمیان و صفوت آدمیان محمد مصطفی 6 و خاندان پاک و مطهرش.

اکنون که این رساله به پایان رسیده بر خود لازم می‌دانم که از زحمات اساتید ارجمندم در ایام تحصیل خصوصاً جناب حجة الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک و حجة الاسلام دکتر حسین جوان آراسته که در کمال لطف و محبت راهنمایی و مشاوره اینجانب را به عهده داشتند و همچنین از زحمات حجة الاسلام دکتر رحیم کارگر، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌نمایم و از خداوند توفیقات افزونتر این بزرگواران را خواستارم.

لطف، همکاری و همدلی همسر گرامی‌ام و نیز تشویق و دعای پدر و مادرم که همیشه در زندگی همراه و پشتیبانم بوده‌اند مزید توفیق بوده و موجب امتنان است، طول عمر با عزت را برای ایشان آرزومندم.

چکیده

یکی از مباحث کلیدی و اساسی هر حکومت بحث مشروعیت آن است که تقویت و تضعیف آن در استقرار و ثبات و عدم آندو در حکومت نقش بی‌بدیلی دارد. در این رساله ابتدا کلیات مباحث مشروعیت و انواع و اقسام آن در قالب فصل اول بیان و با عنایت به نظرات دو اندیشمند تأثیرگذار در جهان اسلام (آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله محمدباقر صدر) فصل‌های دوم و سوم به بررسی نظرات آنان و در فصل چهارم، به نتیجه‌گیری و بیان نقاط اشتراک و افتراق در مبانی آنان پرداخته شده است.

این دو شخصیت در بسیاری از امور مقدماتی که بر مبانی فکری آنان بی‌تأثیر نبوده مشترک می‌باشند ولی در برخی مبانی فکری با هم متفاوت هستند که این خود باعث اختلاف در نظریه آندو نسبت به مبانی مشروعیت حکومت شده است. پس از پذیرش اینکه حاکم مطلق بر جهان پروردگار و کسی که مأذون از جانب اوست می‌باشد، در زمان غیبت امام معصوم 7 که شخصی به صورت معین برای ولایت و قانونگذاری بر جامعه تعیین نشده است (گرچه ویژگی‌ها و صفات آن به صورت عام بیان شده ولی مصداق معین نشده) بر مؤمنین است که نسبت به این امر اقدام کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای مبانی مشروعیت را تحقق اراده الهی می‌داند، اما آیت‌الله صدر مشروعیت را ترکیبی از اراده الهی - مردمی می‌داند و لذا نظر این دو شخصیت از اینجا از هم جدا می‌شود، لازمه مشروعیت الهی حاکم، ورود او در مسائل حکومت در شکل ولایت مطلقه و دخالت مستقیم لذا حاکم فقیه، مرجع تمام امور است و مشروعیت تمام ارکان حکومت با تأیید او صورت می‌گیرد چون او مشروعیتش را از پروردگار گرفته و فقط اوست که می‌تواند در مشروعیتش خلل ایجاد کند، و در این امر مردم نقشی جز عینیت بخشی به دستورات و اوامر فقیه را ندارند. و یا نظارت او بر اجرای دستورات دینی توسط متصدیان امور مختلف حکومت. ولی طبق نظر دوم فقیه تنها ناظر بر اعمال و جریان حکومت است و این مردم هستند که با تأیید خود به اجزای آن حکومت مشروعیت می‌دهند و با عدم تأیید مردم حکومت فقیه دچار عدم مشروعیت شده و ساقط می‌شود.

کلمات کلیدی: مبانی، مشروعیت، مردم، مقبولیت، عینیت.

فهرست

۶. چکیده:
- ۱- بیان مسأله:
- ۲- اهمیت و فایده آن:
- ۳- سابقه تحقیق:
- ۴- اهداف تحقیق:
- ۵- سوالات (اصلی و فرعی) تحقیق:
- ۶- چارچوب نظری تحقیق:
- ۷- فرضیه‌های تحقیق:
- ۸- پیش فرض‌های تحقیق:
- ۹- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:
- ۱۰- سازماندهی تحقیق:

فصل اول : کلیات : مفاهیم

۵. پیش درآمد:
- ۱- مفاهیم
- ۱-۱ «مبانی»
- ۱-۲ «مشروعیت»
- مشروعیت سیاسی
۱۲. انواع مشروعیت سیاسی:
- تفاوت مشروعیت سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام و غرب
۱۴. انواع مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی فقهای اسلام
- الف: مشروعیت مردمی حکومت (نظریه انتخاب)
- ب: مشروعیت الهی حکومت (نظریه انتصاب)
- ج: مشروعیت الهی - مردمی حکومت
- انواع مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی غرب
- الف: منشأ الهی
- ۱/الف: شاه خدایی
- ۲/الف: منشأ خدایی پادشاه
- ۳/الف: مأموریت و موهبت الهی
- ۴/الف: الهام از جانب خداوند

- ب: سنت ۲۲
- ج: کاریزما (فره) ۲۳
- د: مشروعیت تعلبی (زور و غلبه) ۲۴
- ه: مشروعیت قراردادی - قانونی ۲۵
- ۱-۳ «حکومت» ۲۷
- معنای لغوی و اصطلاحی حکومت ۲۷
- ضرورت یا عدم ضرورت حکومت؟ ۳۰
- نظر اول: عدم ضرورت وجود حکومت ۳۰
- نظر دوم: ضرورت وجود حکومت ۳۱
- الگوی تحلیل و چگونگی استفاده از آن ۳۱
- نتیجه گیری ۳۲

فصل دوم : الگوی مشروعیت از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای 33

- پیش درآمد: ۳۴
- ۱- عوامل مؤثر بر اندیشه و مبانی فکری آیت الله خامنه‌ای ۳۵
- الف: خانواده ۳۵
- ب: تعلیم و تحصیل ۳۶
- ج: مبارزات سیاسی ۳۶
- مبانی و اصول زیرساختی حکومت ۳۸
- مبانی ایدئولوژیک ۳۸
- ۱- جامعیت دین ۳۸
- ۲- جهان‌بینی توحیدی ۴۳
- الف: آثار و لوازم توحید در نظام سیاسی ۴۴
- ۱/الف: انحصار حاکمیت خدا : ۴۴
- ۲/الف: مشروعیت الهی: ۴۵
- ۳/الف: انحصار قانون‌گذاری به خدا: ۴۶
- ۴/الف: برابری همه انسان‌ها: ۴۶
- ۳- نیاز بشر به وحی و هدایت آسمانی ۴۷
- نظریه انتصاب؛ مشروعیت الهی فقیهان ۴۸
- ولایت مطلقه فقیه: ۵۰
- نظریه انتخاب ۵۱

- ۳- نقش و جایگاه مردم نسبت به مشروعیت ۵۴
- الف: نقش مردم در حکومت اسلامی ۵۴
- ب: حکومت‌های الهی بهترین شیوه برای دخالت مردم در اداره امور ۵۶
- ج: توجه به گسترش عدالت و جلب خشنودی توده‌های مردم ۵۷
- د: منشأ مشروعیت حکومت اسلامی ۶۰
- ز: مشروعیت فقیه و نقش مردم در آن ۶۱
- الگوی مشارکت سیاسی در نظریه‌های ولایت فقیه: ۶۲
- مشارکت سیاسی در نظریه ولایت انتصابی فقیه ۶۲
- ۱- حق انتخاب کردن ۶۲
- ۲- حق مخالفت کردن ۶۵
- ۳- حق نظارت و انتقاد کردن ۶۷
- نتیجه گیری ۷۰

فصل سوم : الگوی مشروعیت از دیدگاه آیت الله صدر 71

- پیش درآمد: ۷۲
- ۱- عوامل مؤثر بر اندیشه و مبانی فکری آیت الله صدر ۷۴
- الف: خانواده ۷۴
- ب: تعلیم و تحصیل ۷۵
- ج: مبارزات سیاسی ۷۶
- ۱/ج: رابطه با امام خمینی 1 ۷۹
- مبانی و اصول زیرساختی حکومت اسلامی ۸۰
- ۱- مبانی ایدئولوژیک (تکوینی و عقلی) ۸۰
- الف: اصل حاکمیت مطلقه الهی در جهان هستی ۸۰
- ۱/الف: مفهوم حاکمیت خدا ۸۱
- ۲/الف: ماهیت حاکمیت خدا ۸۱
- نتیجه حاکمیت مطلقه الهی: تعهد و مسئولیت ۸۲
- ب: اصل خلافت عامه انسان و نقش امانتداری و مسئولیت‌پذیری او؛ ۸۳
- ج: اصل اراده، انتخاب، آزادی و اختیار؛ ۸۴
- نتیجه جانشینی انسان: ایجاد دولت و تشکیل حکومت ۸۵
- ۲- مبانی تشریحی و فقهی ۸۶
- الف: اصل ولایت و حاکمیت مطلقه خداوند بر جهان هستی؛ ۸۶

۸۶	حاکمیت و ولایت انسان
۸۷	حاکمیت و ولایت
۸۷	مبنای حاکمیت و اصول مشروعیت
۸۸	انواع حاکمیت
۸۹	حکومت اسلامی
۸۹	۱- شکل حکومت در اسلام
۹۱	۲- حکومت مطلوب شهید صدر
۹۲	ب- ارکان حکومت اسلامی
۹۳	ساختار حکومت اسلامی
۹۳	۱- امت
۹۴	مسئولیت‌های عمده امت عبارتست از:
۹۵	۲- مرجع ناظر
۹۵	حدود گواهی مراجع صالح و رشید
۹۶	مسئولیت‌ها و اختیارات مرجع
۹۷	محدوده اختیارات ولی فقیه:
۹۸	رابطه امت و مرجعیت در دولت اسلامی
۹۹	۳- نقش مردم در حکومت اسلامی
۹۹	الف - مشروعیت
۱۰۱	مشروعیت مردمی
۱۰۱	الف) نقش مردم در مقبولیت نظام و کارآمدی آن؛
۱۰۲	نقش مردم در تعیین حاکمان
۱۰۲	نقش مردم در نظارت بر حاکمان
۱۰۳	محورهایی از مشارکت سیاسی امت در حکومت اسلامی
۱۰۵	آزادی سیاسی و انتخاب حاکم در نظام اسلامی
۱۰۶	دیدگاه شیعه نسبت به انتخاب حاکم
۱۰۷	هر انتخابی حجت نیست؛ انتخاب در چارچوب شرایط اسلامی حجت است
۱۰۷	بنابراین بر اساس نظر صدر میانی چهار گانه حکومت اسلامی عبارتند از:
۱۰۷	مقایسه با نظام دموکراسی
۱۱۰	دولت و امت
۱۱۳	دولت اسلامی ضرورت تمدن بشری
۱۱۵	نتیجه گیری

فصل چهارم : وجوه تشابه و تمایز دو دیدگاه و نتیجه گیری 116

- ۱۱۷..... مقدمه
- ۱۱۸..... مبانی و اصول (ایدئولوژیک)
- ۱۱۸..... ۱- گستره دین:
- ۱۱۸..... ۲- جهان بینی
- ۱۲۱..... دیدگاه شیعه نسبت به انتخاب حاکم
- ۱۲۱..... هر انتخابی حجت نیست؛ انتخاب در چارچوب شرایط اسلامی حجت است
- ۱۲۳..... نظریه انتخاب
- ۱۲۳..... حکومت مطلوب شهید صدر
- ۱۲۴..... ارکان حکومت اسلامی
- ۱۲۵..... مرجعیت رشیده
- ۱۲۷..... 1- نقش و جایگاه مردم نسبت به مشروعیت
- ۱۲۷..... الف: نقش مردم در حکومت اسلامی
- ۱۲۸..... ب: منشأ مشروعیت حکومت اسلامی
- ۱۲۸..... ج: مشروعیت فقیه و نقش مردم در آن:
- ۱۲۹..... الگوی مشارکت سیاسی در نظریه های ولایت فقیه:
- ۱۳۰..... مشارکت سیاسی در نظریه ولایت انتصابی فقیه
- ۱۳۰..... ۱- حق انتخاب
- ۱۳۰..... ۲- حق مخالفت
- ۱۳۱..... ۳- حق نظارت و انتقاد
- ۱۳۱..... 2- نقش مردم در حکومت اسلامی
- ۱۳۳..... ب) مقبولیت و کارآمدی نظام ؛
- ۱۳۳..... ج) تعیین حاکمان
- ۱۳۳..... د) نظارت بر حاکمان
- ۱۳۴..... ۳- تشکیل حکومت با نظارت مرجع (تحقق خلافت عمومی)
- ۱۳۴..... ۴ - عزل رهبران و مسئولان
- ۱۳۵..... نتیجه گیری نهایی
- 136..... منابع و مآخذ

۱- بیان مسأله: (تشریح ابعاد و حدود مسأله و معرفی دقیق آن، بیان جنبه‌های مجهول و مبهم و متغیرهای مربوط به پرسش‌های تحقیق)

حکومت قدرتی سیاسی است که امر و نهی می‌کند، قانونگذاری و سیاستگذاری و اجراء را بر عهده دارد و مسئولیت قضاوت و برقراری نظم و امنیت را به دوش می‌کشد و برترین اقتدار در جامعه را در دست دارد. یکی از مباحث هر حکومت و قدرت سیاسی، مبنای مشروعیت سیاسی آن می‌باشد. با عنایت به اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران از جنبه دینی و ایدئولوژیک در تأسیس و تثبیت حکومت اسلامی استفاده نموده است، لذا یکی از بایسته‌های پژوهشی در این زمینه، مقایسه میان دیدگاه‌های فقهای صاحب‌نظر در باب مبنای مشروعیت نظام اسلامی می‌باشد.

این رساله در صدد بررسی موضوع، از منظر آیت الله سید علی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری) و آیت الله شهید، سید محمد باقر صدر می‌باشد.

۲- اهمیت و فایده آن: (ذکر فواید علمی یا کاربردی)

اندیشمندان علوم سیاسی، لازمه توسعه سیاسی را استحکام و عقلانی بودن مبانی و پایه‌های مشروعیت می‌دانند که تزلزل در آن، موجب تضادهای درونی و در نتیجه عقب ماندگی است، چنانچه یک نظام سیاسی دارای مشروعیت نباشد قادر به حل مسائل قومی، نژادی، مذهبی و... نخواهد شد. فقهای معاصر شیعه با اهتمام بیشتری به این موضوع پرداخته و بر اساس مبانی دینی به تبیین و تحلیل مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند.

این سؤال مطرح است که این دو اندیشمند و فقیه نظریه‌پرداز، در نگرش خود به حکومت و مبانی مشروعیت آن، چه تفاوت و تمایزی در آراء دارند و نظریه‌های ابتکاری این دو فقیه چه بوده است؟.

۳- سابقه تحقیق: (ذکر سابقه دیدگاه‌ها و مهمترین تحقیقات (کتاب، پایان نامه، مقاله) در زمینه موضوع و بیان کمبودها و اشکالات آنها)

در زمینه پژوهش حاضر به صورت عام (مشروعیت حکومت اسلامی) و (مبانی مشروعیت حکومت) کتاب‌هایی به رشته تحریر در آمده است، ولی تا کنون کتابی که به صورت خاص در زمینه «مبانی مشروعیت از دیدگاه این دو عالم» تحریر شده باشد به دست نیامده است، هرچند ایشان نظریه‌های سیاسی خود را در ضمن آثار و تألیفات و سخنرانی‌های خود بیان کرده‌اند؛ و یا از طرف شاگردان و محققان این دو عالم، آثار ارزشمندی در قالب ده‌ها کتاب و پایان نامه ارشد و دکتری ارایه شده است اما این آراء پراکنده هستند و نیز مقایسه نشده‌اند.

۴- **اهداف تحقیق:** (شامل اهداف علمی، کاربردی، و ضرورت‌های خاص انجام تحقیق)

این پژوهش دو هدف (نظری و عملی) دارد.

هدف نظری: آگاهی از تفسیرهای متفاوت در مورد مبانی مشروعیت حکومت اسلامی و نوع نگاه

این دو عالم نسبت به این مسأله.

هدف عملی: کمک به شیوه‌های اجرایی حکومت اسلامی و افزایش آگاهی جامعه نسبت به مسأله

مشروعیت در حکومت اسلامی و ارتقای سطح کیفی فرهنگ سیاسی جامعه می‌باشد.

۵- **سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق:**

سؤال اصلی: دیدگاه آیت الله سید علی خامنه‌ای و آیت الله شهید سید محمد باقر صدر در مبنای

مشروعیت حکومت دینی چیست، و چه نقاط اشتراک و افتراقی دارند؟

سؤالات فرعی:

1. مراد از مشروعیت سیاسی چیست؟

2. الگوی مشروعیت از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای چیست؟

3. الگوی مشروعیت از دیدگاه شهید صدر چیست؟

4. وجوه تشابه و تمایز دو دیدگاه چیست؟

۶- **چارچوب نظری تحقیق:**

بر اساس الگوی پرسش‌های اساسی اندیشه سیاسی (گِلن تیندر) به بررسی موضوع خواهیم پرداخت.

۷- **فرضیه‌های تحقیق:** (هر فرضیه بصورت یک جمله خبری نوشته شود)

این دو شخصیت ولایت و ادارهٔ امور جهان را مختص پروردگار می‌دانند و هیچ‌کس جز او را سزاوار حکم کردن نمی‌دانند. لذا هرگونه تصرف و دخالت در نظام هستی، به اذن او احتیاج دارد و هیچ‌کس از پیش خود، حق دخالت در سرنوشت انسانها را ندارد.

لذا تنها با اذن خداوند، فردی می‌تواند بر سایرین حکومت کند. و با داشتن چنین «مجوزی» از سوی مالک مطلق جهان، حکومت وی مشروعیت می‌یابد. با این وجود آیت الله خامنه‌ای مشروعیت حکومت را الهی (تحقق اراده الهی) می‌داند اما شهید صدر مشروعیت حکومت را الهی - مردمی می‌داند.

۸- پیش‌فرض‌های تحقیق:

1. ضرورت اجرای احکام اسلام و متابعت حکومت از فقه، فصل مشترک در همهٔ نظریات فقهی است.
2. هر دو فقیه معتقد به پیوند جدایی ناپذیر دین و سیاست هستند.
3. از منظر دو اندیشمند برپایی حکومت اسلامی در عصر غیبت، یکی از ضرورت‌های جوامع اسلامی است.

۹- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

به صورت تحلیل محتوا و مقایسه‌ای است. محتوای این نوشتار، بررسی توصیفی - تحلیلی و مقایسه نظریه‌های این دو شخصیت است و هدف اصلی آن، ارائه یک چهار چوب تحلیلی است که بیانگر شمای کلی مبنای اندیشه سیاسی آنها است. برای تحقق این مقصد با توجه به گنجایش این نوشتار تنها نظریه‌های عمده - با رعایت تناسب موضوع تحقیق - مورد مطمح نظر قرار گرفته است. و گردآوری مطالب بصورت کتابخانه‌ای است.

۱۰- سازماندهی تحقیق: (ذکر عناوین اصلی و فرعی فصول)

این پژوهش در چهار فصل سازماندهی شده است:

در فصل اول به بیان واژگان و مفاهیم اساسی و کلی و انواع و اقسام منشعب از آن مفاهیم و بیان الگوی نظری با محوریت سؤالات گلن تیندر که در کتاب «تفکر سیاسی» ایشان مطرح شده است بصورت گذرا اشاره می‌کنیم، در فصل دوم و سوم به مبانی تفکر این دو اندیشمند در بحث مبانی مشروعیت پرداخته‌ایم و در پایان در فصل چهارم به بیان وجوه تمایز و اشتراک مبنای این دو اندیشمند و نتیجه‌گیری از مباحث مطروحه می‌پردازیم.

فصل اول : کلیات : مفاهیم

پیش درآمد:

بحث مشروعیت¹ حکومت و مبانی آن از دیرباز مورد توجه فلاسفه، دانشمندان علوم سیاسی و جامعه شناسان قرار داشته و بعنوان یکی از اساسی‌ترین مباحث فلسفه سیاسی در کانون تحقیقات و پژوهش‌های کلاسیک قرار گرفته است. عمدتاً نیز محور تحقیقات بر این پایه بوده که نشان دهند حاکم بر چه مبنائی حق حکومت و اعمال قدرت سیاسی پیدا کرده و مردم با چه مجوزی این حق را پذیرفته‌اند، و خواستند به این پرسش پاسخ دهند که حاکم از کدامین منبع و منشأ، مشروعیت خود را اخذ کرده است. حتی در مباحث اسلامی نیز همواره این پرسش مطرح بوده که مشروعیت حکومت از کجا ناشی می‌شود؟ آیا خداوند سبحان، منبع مشروعیت حکومت و ولایت است؟ و یا برآمده از روش‌های دیگری همچون انتخاب مردم، استیلاء و تغلب و وراثت است؟

اهمیت موضوع نیز از این جهت است که اصولاً بقاء و دوام هر حکومت و یا نظام سیاسی بستگی تام به کیفیت و میزان مشروعیت آن نظام داشته و خواهد داشت. بنابراین همه حکومت‌ها برای بقاء و استمرار و نیز تقویت پایه‌ها و بنیادهای حکومتی ناچار به بازشناسی مبانی مشروعیت نظام سیاسی خویش‌اند تا با پشتیبانی از آن بتوانند حق فرمانروایی را از آن خود قرار داده و به منظور پیشگیری از هرگونه بحران مشروعیت به تقویت و گسترش دایره حقانیت و مقبولیت خود در جامعه بپردازند.

مشروعیت یا حق فرمانروایی حاکمان و اطاعت شهروندان بیانگر کاربرد قدرت و انحصار سلطه و اقتدار دولت با دیدی خوش‌بینانه است. به سخن دیگر توجیه اخلاقی و عقلانی و جواب قانع کننده این سؤال که چرا باید حکمرانان اطاعت شوند؟ و چرا باید گروهی حکمرانی نمایند؟ سخن گفتن از مشروعیت است.

1. Legitimacy.

فلسفه‌های سیاسی و اندیشه‌های مربوطه در حقیقت کوششی بوده است برای یافتن پاسخ به این سؤال. هابز منشأ مشروعیت حکومت را قرارداد اجتماعی می‌داند که براساس توافق افراد جامعه ایجاد شده است و ضمن آن افراد، حق حکومت را به یک فرد یا انجمن واگذار می‌نمایند. اندیشمندان دیگری چون لاک، منتسکیو و روسو نیز منشأ این رابطه بین حاکم و رعیت را براساس توجیهی فلسفی بیان می‌دارند که به نحوی توضیح مشروعیت است.

خلاصه آنکه نکته مهمی که متفکرین سیاسی را به خود مشغول داشته این است که چه چیزی به یک حکومت این حق را می‌دهد که با استفاده از قدرت بر شهروندان حکمرانی نماید و کدام قدرت اعمال شده‌ای حق اعمال داشته است.

بنابراین مشروعیت بُعد ضروری و لازم هر دولتی است و شکل‌گیری، پایداری و تداوم نظام‌ها و حکومت‌ها به آن بستگی دارد.

در اندیشه سیاسی شیعه نیز مشروعیت به مفهوم حقانیت و حق حکومت و در مقابل غضب است یعنی چه کسی حق حکومت بر مردم را دارد؟ و حاکم براساس چه ملاک‌ها و معیارها و با چه مجوزی حق تصرف در شؤون مردم و هدایت مقدرات عمومی را دارد؟ و این حق از کجا به او می‌رسد و منشأ و مصدر آن چه کسی است؟ لذا حکومت مشروع حکومتی است که دارای حق حاکمیت بر مردم است و مردم نیز ضمن شناسایی و پذیرش این حق خود را مکلف به اطاعت از او می‌کنند و قدرت و اقتداری که حاکم از آن برخوردار است از مجاری مشروع و براساس عقل، قرآن و سنت بدست آمده و غاصبانه نمی‌باشد.

بنابراین اگر شیعیان پیروی از قدرت و حاکمیتی را بر خود لازم می‌شمارند. این موضوع با تصور حقانیت و اعتبار شرعی بودن آن حاکمیت پیوند دارد. به عبارتی در حوزه دینی مفهوم مشروعیت با حقانیت و شرعی بودن باید تطابق داشته باشد. امام خمینی؛ در رابطه با مفهوم مشروعیت و اینکه مردم به چه دلیلی تن به اطاعت می‌سپارند و از دستورات حاکم پیروی می‌کنند، می‌فرماید:

مجموعه قوانین اسلام که در قرآن و سنت گرد آمده توسط مسلمانان پذیرفته و مطاع شناخته شده

است، این توافق و پذیرفتن، کار حکومت را آسان نموده و به خود مردم متعلق کرده است.¹

لذا روشن است که در بحث از حکومت اسلامی و از نظر شیعه این مفهوم از مشروعیت¹ یعنی حقانیت و محق بودن یک حاکمیت مد نظر است. و منظور از حقانیت در مکتب تشیع آن است که مشخص شود چه

۱. روح الله، خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۴.

کسی حق دارد بر دیگران حکومت کند. که البته این حق از جانب عقل و شرع و دین مشخص و معین خواهد شد نه اینکه همچون دموکراسی‌های غربی صرفاً خواست اکثریت دلیل حقانیت و رأی اقلیت نشانه باطل بودن باشد. لذا شیعه هنگامی اعمال حاکمیت را محق و مجاز می‌داند که هم از جهت عقل و هم از جهت شرع مورد تأیید قرار گرفته باشد و رضای پروردگار در آن احراز گردد.

۱- مفاهیم

کلیه تحقیقات و پژوهش‌های علمی باید مبتنی بر مفاهیم و اصطلاحات محوری آن رشته باشد. نقش مفاهیم در بررسی‌های علمی به اندازه‌ای است که بعضی از اندیشمندان معتقدند اساس دانش و معرفت در علوم اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم تشکیل می‌دهند که با تغییر و تحول آنها دانش نیز دچار دگرگونی می‌شود. برخلاف علوم خاص که متشکل از مفاهیم دقیق و تعریف شده‌ای است که در قالب فکری یا پارادایم غالب آن علم، مورد توافق و اجماع همه دانشمندان می‌باشد علوم انسانی از چنین ویژگی برخوردار نیستند.

یکی از مهمترین مشکلات مطالعات علمی در حوزه اجتماعی ابهام و عدم دقت مفاهیم بنیادی و عدم توافق فراگیر در تعریف آنها است. لذا اولین گام در هر طرح پژوهش، تبیین و تعریف مفاهیم و اصطلاحاتی است که تحقیق بر اساس آنها پایه‌ریزی شده است لذا به طور اختصار توضیح داده می‌شود:

۱-۱ «مبانی»²

«مبانی» در لغت: مبانی واژه‌ای عربی و جمع «مبنی» می‌باشد. این کلمه به معنای عمارت‌ها، بناها، بنیان‌ها، و اساس‌ها است.³ و نیز به معنی «مکان بنا» و بناگذاری و پایه زیرین هر بنا آمده است. بدین ترتیب مبانی هر چیزی عبارت است از پایه‌هایی که آن چیز بر آنها بنا گردیده و استقرار یافته است.

1. مسأله مشروعیت و منشأ آن اولین موضوعی بود که بلافاصله بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ در جامعه اسلامی مطرح گردید و باعث تقسیم مسلمانان به دو گروه سنی و شیعه شد.

2. foundations.

۳. ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۲، ص ۱۷۷۴۱، واژه مبنا .

«مبانی» در اصطلاح: کلمه مبانی معنای اصطلاحی خاصی ندارد و هنگامی که به علوم مختلف اضافه می‌شود^۱ به معنای اساس و پایه است و با وجود این، مصادیق مختلفی از آن اراده می‌شود که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. گاهی کلمه مبانی به یک نظریه علمی خاص اضافه می‌شود مانند: مبانی نظریه داروین. مراد از مبانی در چنین مواردی، استدلال‌هایی است که به اثبات نظریه مزبور منجر شده است.

۲. گاهی کلمه مبانی به علم خاصی اضافه می‌شود و مراد از آن اصول کلی یا مباحث بنیادی آن علم است، مانند مبانی دیپلماسی^۲ و مبانی جرم‌شناسی^۳، در چنین مواردی، کتاب یک‌دوره از اصطلاحات، تعریف‌ها و اصول کلی را در بر دارد که به اختصار و بدون ورود در شاخه‌های فرعی به بررسی موضوع پرداخته است.

۳. مواردی نیز یافت می‌شود که برخلاف دو حالت فوق، آنچه به عنوان مبانی یک علم یا نظریه مطرح می‌گردد، اصولاً جزء مسائل آن علم نیست بلکه به عنوان اصل موضوعه^۴ در علم دیگری به اثبات رسیده است؛ مثلاً گفته می‌شود مبانی فلسفی یا کلامی فقه یا مبانی اخلاقی حقوق^۵.

منظور از این کلمه در اینجا، پایه‌های زیرین فکری و اصولی است که شاخه‌های دیگر اندیشه بر آن بنا شده است و یا بر آن استوار شده است و لزوماً باید در سازگاری با آن باشند.

در اصطلاح سیاسی، کلی‌ترین اصول، قواعد و معیارهایی هستند که مشروعیت حکومت مبتنی بر آن می‌باشد.

۱. مانند مبانی جامعه‌شناسی، مبانی روانشناسی شخصیت، مبانی علم حقوق، مبانی ولایت فقیه.

۲. جان ویک لین، مبانی دیپلماسی، ص ۱۵۸.

۳. مهدی کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، ص ۷۸.

۴. در علم منطق در بحث از مبادی برهان، آمده است که مبادی مذکور گاه تصویری است که به شرح واژه‌ها و تعریف اصطلاحات می‌پردازد، گاه تصدیقی است که قضایای مقدمه برهان (صغرا و کبرا) را مد نظر دارد. این مبادی تصدیقی گاه امری بدیهی است که اصول متعارفه خوانده می‌شوند و گاه امری نظری است که اصول موضوعه نامیده می‌شوند و در علم دیگری به اثبات می‌رسند؛ مانند قضایای ریاضی که اصول موضوعه فیزیک و مکانیک، یا قواعد منطق که اصول موضوعه فلسفه هستند. اصول موضوعه گاه به معنای قضایایی است که در ابتدای یک علم باید آن را پذیرفت، ولی در فصول بعدی به اثبات خواهند رسید (ر.ک: محمد تقی مصباح یزدی، ترجمه و شرح برهان شفا، ج ۱، ص ۳۲۵).

۵. جلال‌الدین قیاسی، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، ص ۳۶.

بدین ترتیب «مبانی مشروعیت» همان اصولی هستند که حکومت در یک نظام سیاسی بر آن‌ها استوار گردیده است و از آنجا که هریک از نظام‌های حکومتی مبتنی بر مبانی مخصوص به خود می‌باشد، سیاسیون با تأمل در مبانی مشروعیت یک حکومت، ارزش‌ها و سمت و سوی حاکم بر آن حکومت و نظام سیاسی را کشف می‌نمایند و یا در موارد ابهام یا فقدان یا تعارض قوانین با دقت در همان مبانی به چاره‌جویی می‌پردازند.

۱-۲ «مشروعیت»

«مشروعیت» مهمترین و کلیدی‌ترین واژه این پژوهش است. لذا در ابتدا از نظر لغوی و سپس از نظر اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) معنی لغوی

۱- در فارسی: واژه «مشروعیت» مصدر جعلی (مصدر صناعی) از ریشه (ش رع) است. و برای فهم آن باید به واژه‌های «مشروع» و «مشروعیه» رجوع نماییم.

«مشروع (اسم مفعول) یعنی آنچه موافق شرع باشد، چیزی که طبق شرع جایز باشد»^۱.

«مشروعیه (اسم مفعول) مؤنث مشروع، یعنی حکومت مشروعیه (سیاسی) حکومتی که منطبق بر قوانین شرع (اسلام) باشد»^۲.

۲- در عربی: معادل این واژه در عربی، واژه «شرعیّت» قرار دارد [در لسان عرب «مشروعیت» چندان استعمال نمی‌شود] و برای یافتن معنی لغوی «شرعیّت» باید به واژه‌هایی همچون «شرع» و «شرعی» رجوع نمود.

در متون دینی و قرآن، «شرع» به معنی نشان دادن و ترسیم راه روشن، اعم از مادی و معنوی به کار برده شده است. اگر این راه توسط خداوند ترسیم شده باشد، «حق» است و اگر از سوی شیاطین جنّی و انسی ترسیم شده باشد، باطل است.^۳

۱. معین، فرهنگ فارسی.

۲. همان.

۳. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۴۰ - ۴۲.